

جنسیت و قطع کلام در جلسات دفاع از پایان‌نامه

محمد عموزاده^{۱*}، رها زارعی فرد^۲، بتول علی‌نژاد^۳

۱. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۲/۳/۱۳

دریافت: ۹۱/۱۲/۲۹

چکیده

در دهه‌های اخیر ارتباط میان مبحث قطع کلام و جنسیت در جامعه زبان‌شناسی با استقبال زیادی مواجه شده است. سهم این مطالعات در زبان فارسی و به‌ویژه تعاملات دانشگاهی بسیار اندک است. هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل انواع شیوه‌های قطع کلام در گفتار دانشگاهی فارسی در کلام زنان و مردان با رویکرد جامعه‌کنشی^۱ است. بدین منظور قطع کلام‌ها در ۹ جلسه دفاع مردان و ۹ جلسه دفاع زنان از پایان‌نامه‌هایشان مورد واکاوی قرار گرفته است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که قطع کلام، نقش‌های مختلفی در تعامل دارد و نشانگر تسلط مردان بر زنان نیست. عواملی نظیر نوع عضویت (هسته‌ای^۲ و وابسته^۳) در جامعه‌کنشی و منزلت درون‌گروهی در شکل‌گیری قطع کلام دخیل است.

واژگان کلیدی: گفتمان دانشگاهی، جنسیت، جلسات دفاع پایان‌نامه، قطع کلام‌ها، نوع عضویت.

۱. مقدمه

نوبت‌گیری از ارکان مهم مکالمه‌کاوی است. بررسی شیوه‌ها، علل و الگوهای نوبت‌گیری می‌تواند مبنایی برای مکالمه‌کاوی قرار گیرد. پدیده‌هایی مانند قطع کلام و همپوشی هرچند در ظاهر موجب نقض نظام نوبت‌گیری می‌شوند، اما به‌عنوان مؤلفه‌های کلامی، نقش مهمی در پیشبرد مکالمه ایفا می‌کنند. بررسی ضرورت‌ها و نقش‌های قطع کلام، تحت تأثیر مستقیم هدف مشترک در جوامع کنشی است. هریک از اعضا بنا به دلایلی از جمله منزلت، نوع

عضویت، جنسیت و... برای اهداف مختلف، به میزان متفاوتی از قطع کلامها استفاده می‌کنند. با توجه به خلأ موجود در پژوهش‌های داخلی درباره بررسی نظام نوبت‌گیری و قطع کلامها در مکالمه‌های سازمانی و به‌ویژه دانشگاهی، در این مقاله می‌کوشیم به دو پرسش اساسی تحقیق پاسخ دهیم:

۱. آیا جنسیت بر میزان و نقش قطع کلامها در جلسات دفاع از پایان‌نامه تأثیر دارد؟
 ۲. آیا عوامل دیگری بر میزان و نقش قطع کلامها در جلسات دفاع تأثیرگذار است؟
- برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، ۹ جلسه دفاع مردان و ۹ جلسه دفاع زنان را از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز ضبط نمودیم و برای جبران کاستی‌های ضبط صدا، از یادداشت‌های قوم‌نگارانه نیز استفاده کردیم. ضمن آوانگاری داده‌ها، قطع کلامها را در تعاملات، کدگذاری و با توجه به نقشی که در گفتمان ایفا می‌کنند، دسته‌بندی کردیم. در نهایت نیز قطع کلامها را با تمرکز بر جنسیت افراد و با استفاده از الگوهای موجود در نوبت‌گیری (Vide. Sacks et al, 1974) و مکالمه‌کاوی سازمانی (Vide. Heritage, 2004) بررسی نمودیم.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهشگران بسیاری به موضوع قطع کلام و همپوشی کلام در مکالمه پرداخته‌اند و تقسیم‌بندی‌های مختلفی نیز ارائه داده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به بیتی اشاره کرد. وی صورت‌های مختلف گفتمان‌های همزمان را شامل همپوشی، قطع کلام ساده و مداخله می‌داند. در همپوشی، گوینده‌ای که کلامش قطع شده، صحبتش را به پایان می‌رساند، اما در قطع کلام ساده، گوینده دوم نوبت را به دست می‌گیرد و گوینده اول صحبتش را به پایان نمی‌رساند. در مداخله، بدون انتقال نوبت، گوینده دوم، به صورت گذرا و بدون قطع کلام گوینده اول، نکته‌ای را یادآوری می‌کند. به نظر بیتی نوع همپوشی، همبستگی زیادی با تسلط اجتماعی دارد (Vide. Beattie, 1982).

کوتس نیز بین همپوشی و قطع کلام تمایز قائل می‌شود. وی در تعریف همپوشی می‌گوید: «نمونه‌هایی از پیش‌بینی‌های ظریف توسط گوینده بعدی که الزاماً گوینده اول را مجبور به اتمام صحبت و نوبتش نمی‌کند» (Coates, 2003: 118). وی قطع کلام را نیز چنین

تعریف می‌کند: «تخطی از قواعد نوبت‌گیری در مکالمه که در آن گوینده بعدی شروع به صحبت می‌کند درحالی‌که گوینده اول هنوز در حال صحبت است و زمانی رخ می‌دهد که نمی‌توان آن را به‌عنوان نوبت پایانی صحبت گوینده اول در نظر گرفت» (*Ibid*).

زیمرمن و وست قطع کلام را شروع یک کلام همزمان می‌دانند که عمیقاً وارد ساختار درونی گفته‌های گوینده می‌شود و از لحاظ کارکردی بیش از یک هجا دورتر از مرز پایانی نوبت گوینده است (Zimmerman & West, 1975: 113- 115; West, 1984: 55).

از آنجا که در همپوشی و قطع کلام، کلام گوینده به صورت موقت یا دائم قطع می‌شود، در تحقیق حاضر، این موارد تحت عنوان قطع کلامها بررسی می‌شود.

رابطه قطع کلام و جنسیت نیز اغلب با رویکرد تسلط و تفاوت صورت گرفته است؛ چنانکه در پژوهش‌های داخلی، به‌ندرت با رویکرد جامعه‌کنشی، مورد تحقیق قرار گرفته است. مطالعات اولیه در این رابطه، گرایش بیشتر مردان برای قطع کلام در مکالمه‌های بین دو جنس را نشان داده‌اند؛ از جمله زیمرمن و وست (1975) که قطع کلامها را نشانه تسلط مردان در مکالمه می‌دانند.

ایکینز و ایکینز نیز در مطالعه‌ای که بر جلسات دانشگاهی انجام دادند، دریافتند که مردان بیشتر از زنان، کلام را قطع می‌کنند و تفاوت آشکاری نیز از لحاظ منزلت مشهود است. (Vide. Eakins & Eakins, 1979).

بیتی با بررسی ده جلسه کلاسی در دانشگاه شیفیلد، متوجه شد که بیش از یک سوم تغییر نوبت‌ها در نتیجه قطع کلام رخ می‌دهد. تحلیل داده‌های وی نشان می‌داد که منزلت بر قطع کلامها تأثیر معکوس دارد؛ درحالی‌که عامل جنسیت تأثیر مشهودی نداشته است. (Vide. Beattie, 1981).

رهبر و دیگران (۱۳۹۱) نیز رابطه جنسیت و قطع کلام را با رویکرد تسلط بررسی کرده‌اند. آنها تنها به تحلیل کمی بسنده نموده و رویکرد تسلط را ناکارآمد دانسته‌اند.

بنابراین به دلیل نظام پیچیده قطع کلامها، بهتر است این مبحث با در نظر گرفتن جوامع کنشی خاص، بررسی شود.

۳. مباحث نظری

در باره مطالعات زبان و جنسیت، دست‌کم سه رویکرد وجود دارد: تسلط، تفاوت^۱ و جامعه‌کنشی. بیشتر پژوهش‌های داخلی با رویکرد تسلط و تفاوت صورت گرفته است و از رویکرد جامعه‌کنشی غافل مانده‌اند. جنسیت آن‌طورکه در رویکرد تسلط بررسی می‌شود، یک عامل از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه در روند اجتماعی‌شدن و در جریان تعامل افراد با یکدیگر شکل می‌گیرد. همان‌طورکه در رویکرد گفتمان، تفاوت نیز بررسی می‌شود، جنسیت تنها معلول اختلافات خرده‌فرهنگی زن و مرد نیست، بلکه می‌توان گفت بافت و کنشی که افراد درگیر آن هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در گفتمان جنسیتی دارد. از این‌رو، امروزه بیشتر محققان حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و مکالمه‌کاوی برای بررسی رابطه زبان و جنسیت، کنش را مهم‌ترین عامل و نیروی تأثیرگذار بر تعامل می‌دانند و «جامعه‌کنشی» را برای بررسی‌های خود انتخاب می‌کنند. یک فرد می‌تواند در جوامع کنشی مختلف نقش‌های متفاوت و در نتیجه گفتمان متفاوت داشته باشد و هویت متفاوتی را القا کند. بنابراین برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر، بهتر است گفتمان زن و مرد در «جوامع کنشی» خاص مورد بررسی قرار گیرد. به منظور هماهنگی با تحقیقات اخیر زبان و جنسیت، جامعه‌کنشی جلسات دفاع برای این بررسی انتخاب شده است. جامعه‌کنشی این‌چنین تعریف می‌شود:

گروهی از مردم که برای انجام عملی گرد هم می‌آیند و روش‌های انجام کار، شیوه‌های صحبت کردن، عقاید، ارزش‌ها، روابط قدرت- در کنش‌های موقتی- در جریان این تلاش متقابل نمایان می‌شود. به‌عنوان یک ساختار اجتماعی، جامعه‌کنشی از جامعه‌گفتاری سنتی متفاوت است، زیرا همزمان هم توسط عضویت در گروه و هم توسط کنشی که اعضا درگیر آن هستند، تعریف می‌شود (Holmes & Meyerhoff, 1999: 74).

کنش مورد نظر این تحقیق، دفاع از پایان‌نامه است که همه اعضای شرکت‌کننده برای رسیدن به این هدف تلاش می‌کنند. از طرف دیگر از میان انگاره‌های تخصیص نوبت در مکالمه‌کاوی، انگاره ساکس و دیگران (1974) که به‌عنوان پرکاربردترین انگاره لحاظ شده است، برای بررسی رابطه جنسیت و قطع کلام در جامعه‌کنشی جلسات دفاع، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظام نوبت‌گیری، مقوله‌ای پایه در مکالمه‌کاوی است که دربرگیرنده مفاهیم خاصی است.

توضیح مختصر این مفاهیم برای ورود به این بحث ضروری است. «واحد ساخت نوبت»^۷ یعنی بخشی از مکالمه که براساس گفتار گوینده اول شکل می‌گیرد. «محل واگذاری رشته کلام»^۸ (ماورک) یعنی هر نقطه‌ای که در آن تغییر نوبت ممکن باشد (یول، ۱۳۸۳: ۹۵). مفهوم دیگر، «مؤلفه تخصیص نوبت»^۹ است که چگونگی تخصیص نوبت را برای شرکت‌کنندگان در یک مکالمه توصیف می‌کند.

به نظر ساکس و دیگران، نوبت بعدی در اولین «ماورک» طبق قوانین زیر تعیین می‌شود: قانون اول: الف. گوینده اول، گوینده بعدی را انتخاب می‌کند، در نتیجه گوینده بعدی حق یا اجباری برای نوبت‌گیری دارد؛ ب. اگر گوینده اول، گوینده بعدی را انتخاب نکند، گوینده بعدی ممکن است به انتخاب خود شروع به صحبت کند؛ ج. اگر این موارد اتفاق نیفتد، گوینده اول با وجود این‌که مجبور نیست، ممکن است صحبتش را ادامه دهد.

قانون دوم: بند الف و ج قانون اول مکرراً در ماورک‌های بعدی اجرا می‌شود تا این‌که گوینده عوض شود (Vide. Sacks et al, 1974).

اما در همه بافت‌ها این قوانین رعایت نمی‌شود؛ زیرا شرکت‌کنندگان در مکالمه، برخی مواقع از این قوانین تخطی می‌کنند در نتیجه، مواردی چون قطع کلام و همپوشی در ماورک صورت می‌گیرد که می‌تواند نقش‌های مختلفی داشته باشد. در این مقاله قطع کلام‌ها با تأکید بر جنسیت افراد در گفتمان فارسی دانشگاهی با رویکرد جامعه‌کنشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. جنسیت و نقش‌های قطع کلام

بررسی داده‌های تحقیق بیانگر آن است که قطع کلام‌ها بیشتر در بخش پرسش و پاسخ بعد از ارائه سخنرانی اتفاق می‌افتد که اهداف و نقش‌های متفاوتی دارد. البته در بقیه بخش‌ها نیز انواع قطع کلام‌ها قابل مشاهده است. برخلاف برخی تحقیقات پیشین، قطع کلام‌ها در جامعه کنشی دانشگاهی، طیف وسیعی از نقش‌های گفتمانی را بر عهده دارند و فراتر از دوگانه همکاری - رقابت (Tannen, 1990: 144) است. در تحقیق کنونی این قطع کلام‌ها برای ارائه بازنمودی از عملکرد جنسیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از آنجا که هویت (فردی و درون‌گروهی) یکی از ابعاد مهم بررسی بازنمود جنسیت است

و وجهه^{۱۰} افراد در تعامل، یکی از جنبه‌های مهم بازتاب هویت به شمار می‌رود؛ به همین دلیل برای بررسی ابعاد مختلف بازنمود هویتی لازم است وجهه اجتماعی و موقعیتی افراد نیز مورد واکاوی قرار گیرد. در این تحقیق، وجهه به‌عنوان رویدادی اجتماعی متأثر از روابط انسانی مشترک در نظر گرفته می‌شود که امری نسبی و پویا است و از طریق رابطه دیالکتیکی چون همبستگی^{۱۱} و جدایی^{۱۲} در تعامل به دست می‌آید. همبستگی به معنای و اعمالی بازمی‌گردد که ممکن است به‌عنوان وحدت، وابستگی، همبستگی و موافقت برداشت شود و جدایی به معنای و اعمالی بازمی‌گردد که به‌عنوان تفاوت، استقلال، افتراق، گسستگی و تباین درک می‌شود (Arundale, 2006: 204). همبستگی و جدایی پویا است و در بافت‌های مختلف به صورت متفاوت درک می‌شود (Vide. Baxter & Montgomery, 1996)؛ از این رو، در تحلیل داده‌ها از ابزار وجهه نسبی نیز استفاده می‌شود که می‌تواند ابعادی از جنسیت و هویت پویا در تعامل را نشان دهد.

۴-۱. جنسیت و قطع کلام بیانگر شوخی

در جلسات رسمی دانشگاهی مانند جلسات دفاع، کمتر انتظار می‌رود که شوخی به‌عنوان ابزاری برای ارتباط استفاده شود، با وجود این در صورت استفاده می‌تواند اهداف مختلفی داشته باشد. در جامعه کنشی تحقیق حاضر، گاهی اوقات کلام گوینده برای بیان شوخی قطع می‌شود. به‌طور مثال در نمونه ۱، هنگام ارائه سخنرانی دانشجوی (زن) که براساس پیش‌انگاشت موقعیتی که افراد از این جلسات دارند معمولاً بدون قطع کلام است، استاد مشاور، کلام دانشجوی را برای بیان شوخی قطع کرده است^{۱۳}:

نمونه ۱: دانشجوی (زن)، مشاور (مرد).

دانشجو (زن): ... بعضی‌ها می‌گویند که زنان از سطح استدلال اخلاقی کمتری برخوردارند؛ در صورتی‌که عقب‌تر از مردها نیستند و جلوتر هم هستند و...

مشاور (مرد): [اینجا جلسه دفاع از حقوق زن است یا جلسه دفاع از پایان‌نامه؟*]

دانشجو: (خنده)

مشاور: خانم‌ها از آقایون عقلانی‌ترند. درسته؟

دانشجو: بله، نتایج نشون داده.

مشاور: میگن خانمها و آقایون برابرند؛ خانمها یک کم برابرترند.
دانشجو: البته برابر هم نیستند. دکتر نگاه کنید ((اشاره به حضار در جلسه)).
(خنده عمومی)

در این بافت، دانشجو با تکرار خشوگونه مطلب و با تکیه بر کلمه «جلوتر» بر اهمیت جلوتر بودن زنان تأکید می‌کند (خط ۲). استاد مشاور که این پاره‌گفت را دفاع از زنان برداشت کرده است، با پرسش «اینجا جلسه دفاع از حقوق زن است یا جلسه دفاع از پایان‌نامه؟» (خط ۴) کلام گوینده را قطع می‌کند. وی از ابزار خنده استفاده کرده تا درجه جدایی را که در نتیجه پرسش حاصل شده است، کم کند و نوعی همبستگی نیز ایجاد سازد که به خنده عمومی نیز می‌انجامد. وی از قدرت و منزلت سازمانی خود به‌عنوان یکی از اعضای هسته‌ای استفاده کرده است و توجه افراد را از موضوع بحث منحرف کرده است (Vide. Kotthoff, 2006).

در ادامه، استاد مشاور با پاره‌گفت «میگن خانمها و آقایون برابرند، خانمها یک کم برابرترند» (خط ۸)، به این جمله «همه حیوانات برابرند، اما بعضی‌ها برابرترند» از کتاب *قلعه حیوانات* جورج اورول اشاره می‌کند و وضعیت خانمها را با خوکها در *قلعه حیوانات* مقایسه می‌کند. وی با استفاده از این بینامتنیت، نارضایتی خود را از وضع موجود زنان، حداقل در جامعه کنشی دانشگاه، نشان می‌دهد. به نظر او زنان نه تنها به حقوق خود دست یافته‌اند، بلکه تاحدی دچار زیاده‌خواهی در این زمینه نیز شده‌اند. اما دانشجو گفته استاد را به برابری کمی تأویل کرده، با لحن شوخی عبارت «البته برابر هم نیستند، دکتر نگاه کنید» (خط ۹) را می‌گوید و به حضار اشاره می‌کند که تعداد زنان تقریباً چهار برابر مردان در جلسه است و این پاسخ باعث خنده عمومی می‌شود. از آنجا که این قطع کلام به خنده عمومی انجامیده است و از طرف استاد مشاور صورت گرفته است، می‌توان هدف آن را وسیله‌ای برای کم‌کردن تنش‌ها (Vide. Partington, 2006)، ایجاد چارچوب تعاملی سازگار و همچنین «رسمیت‌زدایی»^۴ از جنبه‌های مناسبی این‌گونه دانست (Vide. Grimshaw, 1989) که مطمئناً قدرت سازمانی اعضا در پیدایش آن تأثیر دارد.

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که قطع کلام بیانگر شوخی در صحبت افراد هم‌سطح؛ مانند دو استاد، رخ داده است؛ مانند نمونه ۲:

نمونه ۲: استاد راهنما (مرد)، مشاور (مرد).

استاد راهنما: ... به این نتیجه رسیدیم که پشت سر هر زن موفق یک مرد فداکار وجود دارد...؛ از آقاشون که حمایت کردند ایشون رو تا کار رو انجام دادند، تشکر می‌کنم.
مشاور: [پشت سر هر مرد موفق یک زنی وجود دارد که نمی‌تونه جلوی موفقیتش رو بگیره].

(خنده عمومی)

راهنما: حالا دکتر مزاح خیلی زیاد می‌کنه خانم (نام خانوادگی دانشجو) شما به دل نگیر.
(خنده انفرادی)...

در این نمونه، استاد راهنما در حال تمجید از دانشجو است که جزئی از فرهنگ و مراسم جلسات دفاع محسوب می‌شود. سپس با پاره‌گفت «پشت سر هر زن موفق یک مرد فداکار وجود دارد» (خط ۱)، به نقش همسر دانشجو در موفقیتش اشاره می‌کند. استاد مشاور پاره‌گفت «پشت سر هر مرد موفق یک زنی وجود دارد که نمی‌تونه جلو موفقیتش رو بگیره» (خط ۳) را بیان می‌کند و تلویحاً پیش‌انگاشت کلیشه‌ای «زنان جلوی موفقیت مردان را می‌گیرند» را دربردارد. این قسمت که در «ماورک» سخنان استاد راهنما اتفاق افتاده است به خنده عمومی می‌انجامد.

با توجه به این‌که بیشتر مخاطبان این جلسه زن هستند، اما همگی آن‌ها که از این پاره‌گفت لذت برده‌اند، آن را به‌عنوان شوخی تلقی کرده‌اند، ولی استاد راهنما این پاره‌گفت را به‌عنوان ابزار جدایی نسبی در نظر گرفته، با آوردن دلیل که «دکتر مزاح زیاد می‌کنه» (خط ۶) از شدت تهدید وجهه دانشجو می‌کاهد.

در هر دو نمونه ۱ و ۲، شوخی‌ها ماهیت جنسیتی دارند. مسائل جدی از قبیل بحث حقوق برابر زن و مرد، تلاش افراطی زنان برای داشتن حقوق مشترک و کلیشه‌های جنسیتی نیز مشاهده می‌شود که این کلیشه‌های جنسیتی منشأ شوخی در محیط کار محسوب می‌شود (Holmes, 2006: 125). علاوه بر این، بین این نقش قطع کلام و منزلت، رابطه مستقیمی وجود دارد. در همه موارد، اعضای هسته‌ای (استاد راهنما، استاد مشاور)، کلام را قطع می‌کنند.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که شوخی در جلسات دفاع با کم‌کردن تنش‌ها و متعادل کردن قید و بندهای مقررات سازمانی به نوعی رهایی‌بخش است (Swales, 2004:)

168) این وظیفه را در جامعه کنشی حاضر، مردان به عهده دارند که با در نظر گرفتن روابط نابرابر سازمانی قابل توجیه است.

۲-۴. جنسیت و قطع کلام همکاری

ریزمن^{۱۰} (1974) از اولین کسانی بود که سبکی فرهنگی را پایه‌گذاری و بیان کرد که هدف قطع کلام، تعامل است، نه ایجاد مانع. او اصطلاح «همنوازی مکالمه»^{۱۱} را برای این رویداد به کار برد. در داده‌های تحقیق حاضر نیز یکی از نقش‌های مهم قطع کلام، همکاری است. در این قطع کلام همه اعضای هسته‌ای و وابسته، مشارکت دارند و شامل یک جنس خاص نمی‌شود. برای مثال در نمونه ۳ استاد راهنما برای اصلاح و همکاری، کلام مشاور را قطع می‌کند:

نمونه ۳: دانشجو (زن)، راهنما (مرد)، مشاور (مرد).

مشاور: در جمله اول نتیجه‌گیری فرمودید که داستان به نوعی دچار عوام‌زدگی شده است کلمه به اصطلاح عوام‌زدگی یک مقدار بار منفی‌اش، خیلی بیشتر از اون چیزی است که تو این رساله مورد نظر بوده!

راهنما: [با باورهای عامیانه آمیخته شده است].

مشاور: با باورهای عامیانه و عامه‌پسند، چون همون جور که خودتون نوشتید، خب این به اصطلاح بخشی از فرهنگ...

استاد مشاور بر واژه «عوام‌زدگی» (خط ۲) با کشش مصوت «ا» و با تکیه تأکید کرده و انتقاد خود را با استفاده از عبارت احتیاط‌آمیز^{۱۲} «یک مقدار» (خط ۳)، برای تعدیل بیان می‌کند. وی پاره‌گفت پیشنهادی خود را بیان می‌کند (خط ۴) و بدین وسیله خطر ارزیابی منفی (Vide. Natale & et al, 1979) را کاهش می‌دهد.

مشاور نیز صحبت استاد راهنما را تأیید کرده (خط ۶)، با ارجاع به متن پایان‌نامه «چون همون جور که خودتون نوشتید» (خط ۶) به تأیید کار می‌پردازد. پس قطع‌کننده کلام به هدف خود که همکاری و پرهیز از ارزیابی منفی است، دست یافته است.

علاوه بر آن، اعضای شرکت‌کننده در کنش دفاع، گاهی کلام یکدیگر را قطع می‌کنند تا صحبت اخیر گوینده را متوجه شوند یا از سوء تفاهم پرهیز کنند (Vide. Kennedy & Camden, 1983). در نمونه ۴ مشاور دوم (مرد) برای تفهیم مطلب به دانشجو، کلام مشاور

اول را قطع می‌کند:

نمونه ۴: مشاور اول (مرد)، مشاور دوم (مرد)، دانشجو (مرد).
مشاور اول (مرد): چیزایی که مستند می‌کنی، نسبت به چه چیزی است؟...
دانشجو: بله.

مشاور اول (مرد): مثلاً می‌خواهی که مستندش کنی ببینی نسبتی هست؟
دانشجو: خُب.

مشاور اول (مرد): نسبتی که بین قشر دانشجویان انجام میشه.

مشاور دوم (مرد): [مثلاً دانش‌آموزان یا مثلاً...]

دانشجو: [خُب من حالا توی ادبیات پیشین آوردم...]

در این نمونه دانشجو با لحن آهسته‌تر با پاسخ‌های کوتاه «بله» (خط ۳) و «خُب» (خط ۵)، نشانگر یک شنونده خوب و گوش‌به‌زنگ است (Vide. Stubbe, 1998: 266) که در جوامع آموزشی، کنش مرجع است. مشاور دوم با قطع کلام مشاور اول موضوع را برای دانشجو با ارائه مثال یا به عبارت دیگر با تفسیر رمز^{۱۸} (Hyland & Tse, 2004: 169) روشن می‌کند و دانشجو با قطع کلام استاد، نشان می‌دهد که منظور هر دو استاد را متوجه شده است و در جهت پاسخ‌گویی به آن برمی‌آید و هدف آن تلاش برای درک پیام گوینده است. با توجه به نمونه‌های ذکر شده می‌توان این چنین برداشت کرد که همه اعضا، اعم از زن و مرد، برای همکاری با یکدیگر از شگردهای مختلفی از جمله قطع کلام استفاده می‌کنند.

۳-۴. جنسیت و قطع کلام‌های تدافعی

اقتضای جلسات دفاع ایجاب می‌کند که کنش دفاع صورت گیرد. برخی از این کنش‌ها، بنا بر اهمیتشان همراه با قطع کلام طرف مقابل است. افراد با توجه به نقش سازمانی و نوع عضویتشان، از این قطع کلام استفاده می‌کنند.

علاوه بر دفاع، اهداف دیگری نیز ممکن است در قطع کلام‌های تدافعی نهفته باشد؛ به‌طور مثال در نمونه ۵، راهنما ابتدا به معرفی کار پرداخته، از دانشجو می‌خواهد که شروع کند. طبق نظام نوبت‌گیری و پیش‌انگاشت موقعیتی جلسات دفاع، مشاور حق گرفتن نوبت در این موقعیت را ندارد، اما برای دفاع از دانشجو کلام استاد راهنما را قطع می‌کند:

نمونه ۵: دانشجو (مرد)، راهنما (مرد)، مشاور (زن).

راهنما: آقای ((نام خانوادگی دانشجو)) زحمت کشیدند و ... از شون تقاضا می‌کنیم که در حد «کانکلوژن» ...

مشاور: /ازبیتش نکنید / بچه این همه زحمت کشیده به ۳۰-۴۰ دقیقه ای بهش فرصت بدین. راهنما: [یه ۲۰ دقیقه، ۲۰ دقیقه بسه.

مشاور: [نه بابا ولش کنید بگذارید راحت باشه، هر چقدر می‌خواد ادامه بده].

دانشجو: تنظیم کردم چیزی حدود ۳۵-۴۰ دقیقه.

راهنما: اوه ۴۰ دقیقه؟

مشاور: [نه بگو، بگو. (بقیه بحث)]

راهنما با خنده از دانشجو می‌خواهد در حد «کانکلوژن» (خط ۱) به ارائه بپردازد که مشاور با استفاده از گونه غیر رسمی، برای دفاع از دانشجو خطاب به راهنما تقاضای زمان بیشتری می‌کند. وی از واژه تحیب «بچه» (خط ۳) به جای گونه خطاب رسمی «آقا / خانم + نام خانوادگی شخص» برای خطاب به دانشجو (مرد) استفاده می‌کند که معانی مختلفی مانند برانگیختن حس مهربانی استاد راهنما را القا می‌کند. در این یافت، مشاور (زن) از لحاظ سنی از بقیه اعضا بزرگتر است و علاوه بر هویت درون‌گروهی (مشاور)، براساس پیش‌انگاشت فرهنگی حاضران، به دلیل هویت فردی «بزرگتر بودن» شایسته احترام است. وی از قدرت حرفه‌ای و فردی استفاده کرده، برای دفاع از دانشجو تقاضای وقت بیشتری از استاد راهنما می‌کند. در جواب راهنما که با خنده، پیشنهاد ۲۰ دقیقه می‌دهد، می‌گوید: «نه بابا ولش کنید» (خط ۵) که از گونه غیر رسمی استفاده می‌کند و با وجود مخالفت با استاد راهنما که ابزار وجهه‌جویی است، با اتخاذ سبک به‌اصطلاح خودمانی، صمیمیت بین اعضا را نیز حفظ می‌کند.

راهنما با نشانگر گفتمانی «اوه» (خط ۷) مخاطبان را آگاه می‌سازد که یک نوع تقابل خواسته‌ها وجود دارد که به نقش ارزیاب^{۱۹} «اوه» بازمی‌گردد (Vide. Schiffrin, 1987). با وجود نارضایتی استاد راهنما، مشاور دوباره با استفاده از قطع کلام، دانشجو را به گفتن، ترغیب و با دانشجو همبستگی ایجاد می‌کند (خط ۸). در نهایت، استاد مشاور (زن) در این جامعه کنشی از قدرت سنی و سازمانی خود استفاده کرده، نظر خود را به مخاطب تحمیل می‌کند.

علاوه بر مشاور و راهنما که به دفاع از دانشجو می‌پردازند، در بیشتر موارد، خود دانشجو نیز از قطع کلام تدافعی استفاده می‌کند، مانند نمونه ۶:

نمونه ۶: مشاور (مرد)، دانشجو (مرد).
مشاور: ... مثلاً به جایی اشاره کردید ...

دانشجو: [استاد درستش کردم]

مشاور: درستش کردید؟ بسیار خوب. از دواج‌های...

مشاور با استفاده از ارجاع «به جایی اشاره کردید» (خط ۱) که «غیر همبستگی» را نشان می‌دهد (Vide. Steensig & Larsen, 2008) به انتقاد از دانشجو می‌پردازد. در عوض، دانشجو کلام استاد را برای دفاع از کار خود قطع می‌کند (خط ۲). مشاور نیز قانع شده (خط ۳)، به ادامه بحث می‌پردازد. در این نمونه نیز ترس از ارزیابی منفی را می‌توان دلیل پنهان قطع کلام دانست. دانشجویان (زن و مرد) از این قطع کلام برای دفاع از خود به خوبی بهره برده‌اند که در تحلیل کمی به این نکته نیز اشاره خواهد شد.

۴-۴. جنسیت و قطع کلام ارشادی- امری

معمولاً یکی از پیش‌شرط‌های انجام توصیه و امر کنش‌های گفتاری اثرپذیر بودن توصیه کسی است که امر می‌کند. به عبارت دیگر، در این قطع کلام، می‌توان نشانه‌هایی از قدرت و تسلط در بافت را ملاحظه کرد. در جلسات دفاع معمولاً این قطع کلام‌ها توسط استادان راهنما (زن و مرد) انجام می‌شود. در نمونه ۷ این مسئله نشان داده شده است:

نمونه ۷: دانشجو (مرد)، راهنما (زن).

دانشجو: عدم ثبات عاطفی...

راهنما: [بهتره از این بحث رد شید و اگه خلاصه تحقیقات بحث رو دارید، خلاصه و

جمع‌بندیش رو بگید.]

دانشجو: تحقیقاتی که انجام شده در زمینه ...

راهنما: [این‌ها رو هم بهتره رد شید، جمع‌بندیشو بگین]

دانشجو: بله. به‌طور کلی تحقیقات ...

استاد راهنما با استفاده از عبارت احتیاط‌آمیز «بهتره» (خط ۲) که تاحدی تهدید وجهه

حاصل از امر و جدایی حاصل از آن را تعدیل می‌کند، کلام دانشجو را قطع کرده، در واقع به او امر می‌کند. وی دوباره کلام دانشجو را با هدف مشابه (خط ۵) قطع می‌کند. او با استفاده از قدرت سازمانی و تسلط خود در این بافت، کلام دانشجو را قطع می‌کند و دانشجو نیز از دستورش پیروی می‌کند. این تسلط و کنترل در جامعه کنشی حاضر را می‌توان نتیجه قدرت سازمانی اعضا دانست که به خوبی از آن بهره برده‌اند و مختص جنس خاصی نیست.

۴-۵. جنسیت و قطع کلام‌های جدلی

این قطع کلام که در بیشتر تحقیقات پیشین (Vide. Sugawara, 2012) از انواع مهم به شمار می‌آید، در نتیجه به چالش کشیدن نظر گوینده اتفاق می‌افتد. برخی معتقدند که زنان، به دلیل به چالش کشیدن، انحراف بحث یا ارائه اطلاعات، قطع کلام نمی‌کنند، بلکه آن‌ها برای توافق، حمایت یا کامل کردن صحبت‌های دیگران قطع کلام می‌کنند (Tannen, 1990: 144). اما در داده‌های دانشگاهی، زنان با توجه به بافت و هویت فردی و درون‌گروهیشان، کلام را برای مخالفت و جدل با گوینده قطع می‌کنند. عدم بروز مخالفت و به چالش کشیدن نظر دیگران توسط زنان در بافت‌های مختلف هم جزو کلیشه‌های جنسیتی است که باید در گستره‌ای از کنش‌ها آزموده شود تا منسوخ شود (Goodwin, 1990: 9). نمونه ۸ مثالی برای قطع کلام جدلی است:

نمونه ۸: دانشجو (مرد)، مشاور (زن).

مشاور: ... بیایم توجیه کنیم آیا بلوغ بچه‌های ما با بلوغ اونا فرق داره؟

دانشجو: خب، این همون مسئله...

مشاور: [من که نمی‌دونم] اگه داره، خب بنویسید بعد بیایید پیشنهاد بدید.

دانشجو: مسئله اینه که...

مشاور: [نه مثل اینکه به تستی چون خارجی است، حالا ما یاد گرفتیم که فرهنگ‌ها با هم

فرق داره ... همین‌جوری هی کامنت بدیم که چون از غرب اومده پس نتیجه بگیریم که شاید به

درد ما نخوره].

دانشجو: بیشتر تو خونواده...

در این مورد استاد مشاور (زن) دو بار کلام دانشجو را همراه با زیر و بمی خیزان قطع

می‌کند (خط ۳ و ۵). دانشجو درصدد پاسخگویی است که کلامش قطع می‌شود. مشاور با

استفاده از مای فراگیر^{۲۰} (خط ۱) هویت ملی ایرانی را در تقابل با غربی بودن باز نمود می‌کند. مشاور، با گفتن «من که نمی‌دونم» (خط ۳) کلام دانشجو را قطع کرده و با ذکر «من» که منظورش «من، به‌عنوان استاد این رشته» است، هویت علمی خود را نشان داده، به نوعی بین دانش خود و دانشجو جدایی ایجاد کرده است. معمولاً اعضای حرفه‌ای درون یک جامعه کنشی تمایل به بازتولید رابطه بین افراد «متخصص» و «غیر متخصص» دارند و در این راستا از جنبه‌های مهم تجربیات افراد غیر متخصص چشم می‌پوشند (Heritage, 2004: 231). مشاور نیز در این بافت، این رابطه را بین خود و دانشجو پررنگ می‌کند. این مسئله در بحث عدم تقارن بین اعضا در مکالمه‌های سازمانی نیز مطرح می‌شود (Tenhave, 2007: 181).

علاوه بر این، استاد مشاور با پاره‌گفت شرطی (خط ۳) شک و تردید خود را نیز ابراز می‌کند و دوباره بین دانشجو و خودش جدایی می‌اندازد. برای بار دوم با بیان «نه» (خط ۵) با زیر و بمی خیزان، کلام دانشجو را قطع می‌کند و انکار صریح خود را نشان می‌دهد (Martin & White, 2005: 97) و سپس به بیان علت می‌پردازد که یکی از شگردهای تعدیلی در بیان نظر نامرجح^{۲۱} است (Levinson, 1983: 334). وی همچنین از تفسیر رمز «مثل اینکه» (خط ۵) برای روشن کردن مخاطب بهره گرفته و با استفاده دوباره از «مای فراگیر» همبستگی خود را نیز تاحدی با مخاطب نشان می‌دهد. از طرفی پاره‌گفت «هی کامنت بدیم» (با تأکید بر هی) (خط ۶) نیز استمرار منفی موضوع را همراه با نارضایتی فرد می‌رساند.

در نمونه ۹ نیز استاد مشاور، کلام دانشجو را با بیان نظر مخالف قطع می‌کند:

نمونه ۹: مشاور (مرد)، دانشجو (زن).

مشاور: ... یک‌جا بحث... کردید توضیح ندادید یعنی چه؟

دانشجو: استاد فرصت نبود. محتوا و ...

مشاور: [ببینید ما فرصت نبود، نداریم، اصل بر اینه که وقتی شما می‌خواهین مطلبی رو

بنویسین، فرصت لازم را هم داشته‌اید؛ یا به مطلب نباید طرح بشه یا اگر طرح شد باید خیلی

گویا باشه تا خواننده بدونه یعنی چه]

در این مورد نیز مشاور به‌صراحت، به مخالفت با دانشجو می‌پردازد (خط ۳). وی از مای

انحصاری^{۲۲} استفاده می‌کند که نشانه جدایی بین استاد و دانشجو است. «ما» به هویت

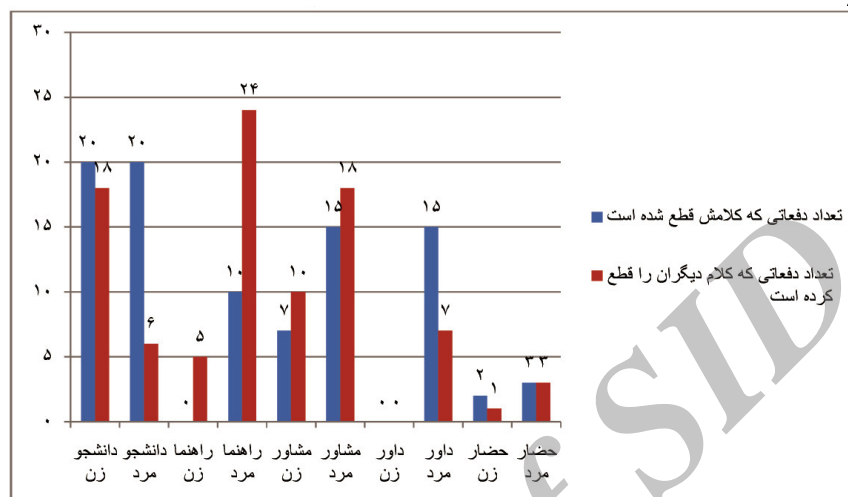
حرفه‌ای مشاور اشاره دارد و منظورش این است که «فرصت نبود» در مباحث علمی نداریم. سپس با استفاده از غیر شخصی‌سازی (Vide. Rees-Miller, 2000) در پاره‌گفت «یا به مطلب نباید طرح بشه یا اگر طرح شد باید خیلی گویا باشه» (خط ۵) و با تشدیدگر «خیلی» (خط ۴) با دانشجو مخالفت کرده و ابزار جدایی را فراهم می‌کند. همچنین با ذکر دلیل برای مخالفت خود «تا خواننده بدونه یعنی چه» نظر نامرچج خود را توجیه می‌کند.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت اعضا (زن و مرد) از قطع کلام‌های مختلف با ابزارهای مشابه (بلند کردن صدا، زیر و بمی خیزان و غیره) برای برآوردن اهدافشان استفاده می‌کنند و تمایز جنسیتی در استفاده کیفی از این ابزارها به‌جز در یکی از نقش‌های قطع کلام‌ها (بیانگر شوخی) مشاهده نمی‌شود. از این گذشته، انواع قطع کلام‌ها اهداف متفاوتی دارند و در شکل‌گیری جنسیت، هویت و وجهه اعضا نقش اساسی دارند.

علاوه بر تحلیل کیفی، مختصر تحلیل کمی نیز می‌تواند مفید باشد؛ زیرا برخلاف برخی مطالعات پیشین (Vide. Zimmerman & West, 1975)، نمی‌توان گفت که صرف تعداد قطع کلام می‌تواند نشانه تسلط یا غیره در جوامع کنشی مختلف باشد.

۵. تحلیل کمی

میزان و نقش‌های قطع کلام‌ها و جنسیت اعضا در نمودار ۱ و ۲ نمایش داده شده است. همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، کلام دانشجویان زن و مرد به یک میزان برای اهداف مختلف قطع شده است، اما از نظر تعداد دفعاتی که این دانشجویان کلام دیگران را قطع کرده‌اند با یکدیگر متفاوت هستند. دانشجویان زن حدود سه برابر بیشتر از دانشجویان مرد کلام دیگران را در این جلسات قطع کرده‌اند. اما براساس نمودار ۲ آن‌ها بیش از ۶۰٪ موارد کلام را به هدف همکاری و کمتر از ۴۰٪ برای دفاع از کار خود قطع کرده‌اند که از این لحاظ با هویت سنتی زنانه همخوانی دارد. دانشجویان مرد در همه موارد از قطع کلام تدافعی استفاده کرده‌اند که به نحوی نشان‌دهنده این مطلب است که دغدغه اصلی دانشجویان زن، همکاری و سپس دفاع از کار خود است؛ درحالی‌که دغدغه اصلی دانشجویان مرد تنها دفاع از کار خود است و دوگانه همکاری - رقابت (Vide. Tannen, 1990) در این مورد صدق می‌کند.

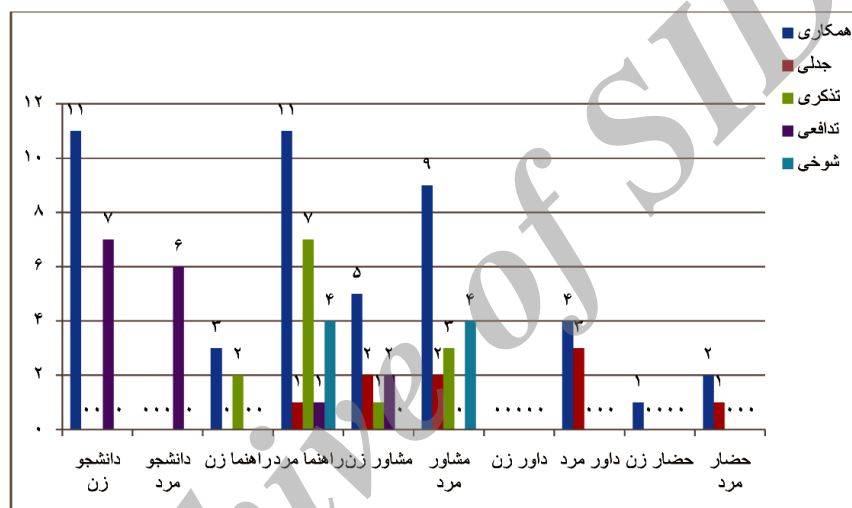


نمودار ۱ تعداد دفعاتی که اعضا، کلامشان قطع شده و قطع کلام کرده‌اند.

در قطع کلام‌های تدافعی می‌توان گفت که دانشجویان مرد و زن، با استفاده از این قطع کلام‌ها سعی در رفع ارزیابی منفی دارند. از طرف دیگر، حاضر جواب بودن و تاحدی اطلاع‌رسانی در این جامعه کنشی، کنش مرجح است که گاهی این حاضر جوابی به دلیل اهمیت و برای تأثیر فوری با قطع کلام همراه است. نکته دیگر درباره قطع کلام‌های ارشادی، جدلی و شوخی است که همان‌طور که در تحلیل‌های کیفی نیز بحث شد، با منزلت بالا گره خورده است؛ زیرا دانشجویان (زن و مرد) از این نوع قطع کلام‌ها استفاده نکرده‌اند و در سخنان اعضای وابسته (حاضر زن و مرد) به ندرت این قطع کلام را می‌توان دید (نمودار ۲).

استادان راهنمای مرد کلام دیگر اعضا را بیشتر قطع کرده‌اند (نمودار ۱)؛ البته طبق نمودار ۲، آن‌ها بیش از ۴۵ درصد موارد کلام را برای همکاری و فقط ۴ درصد موارد را برای مخالفت قطع کرده‌اند. پس از راهنما، مشاوران مرد بیشترین میزان قطع کلام را داشته‌اند. اما باز هم نمی‌توان گفت که این قطع کلام‌ها نشانه تسلط بر دیگری است، زیرا در حدود ۶۰ درصد از موارد را برای همکاری و شوخی با طرف مقابل قطع کرده‌اند که ابزار تسهیل‌کننده ارتباط است. نکته دیگر آن‌که داوران زن نه کلامشان قطع شده و نه کلام دیگران را قطع کرده‌اند (نمودار ۱). در بررسی قوم‌نگاری جلسات، طول مدت زمانی که داوران زن به

اظهار نظر می‌پردازند، بسیار اندک است و یکی از علل بروز قطع کلام، طولانی‌شدن زمان نوبت‌ها است (Vide. Murray, 1987). این مسئله در گفتار داوران زن وجود ندارد. البته طول مدت صحبت داوران زن نسبت به هم‌تایان مردشان با توجه به نقش درون‌گروهی که دارند، بسیار کمتر است و نقش درون‌گروهی داور را که همراه با به چالش کشیدن نظرات دانشجوی است، به خوبی بازی نکرده‌اند.



نمودار ۲ تعداد قطع کلامها با نقش‌های مختلف توسط اعضا

نوع عضویت افراد و میزان قطع کلامها نیز با یکدیگر رابطه دارد (نمودار ۲). اعضای هسته‌ای تمایل به قطع کلامهای بیشتری نسبت به اعضای وابسته دارند (نمودار ۱)؛ اما تعداد دفاعاتی که کلامشان قطع شده است، نیز قابل توجه است؛ چون برخی از مطالعات پیشین (Vide. Zimmerman & West, 1975) تعداد دفاعاتی را که افراد کلامشان قطع شده است - بدون توجه به نقش قطع کلامها - به دلیل نقش فرودست افراد می‌دانند، ولی در جامعه کنش‌ی دانشگاه این موضوع صدق نمی‌کند. اعضای هسته‌ای مانند استادان راهنما، مشاور و داور نیز کلامشان برای اهداف مختلف، مکرر قطع شده است (نمودار ۱ و ۲) و صرف تعداد قطع کلامها نمی‌تواند بیانگر تسلط باشد.

۶. نتیجه‌گیری

قطع کلام در جلسات دفاع، گریزناپذیر و در عین حال پیش‌برنده تعامل است. در پاسخ پرسش اول که آیا جنسیت بر میزان و نقش قطع کلامها در جلسات دفاع از پایان‌نامه تأثیر دارد، باید گفت تحلیل‌های کیفی و کمی نشان می‌دهد زنان و مردان از قطع کلامها با اهداف و نقش‌های یکسانی در جلسات دفاع استفاده می‌کنند که شامل شوخی، همکاری، تدافعی، ارشادی-امری و جدلی می‌شود و جنسیت کسی که کلامش قطع شده (مانند دانشجویان) در میزان و نقش قطع کلامها تقریباً بی‌تأثیر است؛ درحالی‌که جنسیت قطع‌کننده کلام تاحدودی مؤثر است، لیکن همیشه طبق ویژگی‌های از پیش تعیین‌شده برای کلام زنانه و مردانه نیست. گاهی ویژگی‌های کلیشه‌ای را تأیید می‌کند؛ به‌طور مثال زنان کلام را بیشتر برای همکاری قطع می‌کنند و مردان بیشتر از قطع کلام جدلی استفاده می‌کنند. گاهی نیز خلاف ویژگی‌های کلیشه‌ای است؛ مانند این‌که مردان از قطع کلام همکاری استفاده گسترده‌ای دارند و زنان از قطع کلامهای ارشادی-امری و جدلی استفاده مقتضی داشته‌اند. تنها موردی که از نظر کیفیت و کمیّت مختص اعضای هسته‌ای مرد است، قطع کلام بیانگر شوخی است؛ چون شوخی در جلسات رسمی نقش تنش‌زدایی و رسمیت‌زدایی را بر عهده دارد، مردان خود را مسئول این موضوع و به نوعی انحراف از موضوع اصلی می‌دانند.

در پاسخ به پرسش دوم که آیا عوامل دیگری بر میزان و نقش قطع کلامها در جلسات دفاع تأثیرگذار است، باید گفت عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری قطع کلامها دخیل است. عواملی از جمله بافت، الگوها، ارزش‌های جلسات دفاع و پیش‌انگاشت موقعیتی که افراد از این جلسات دارند. همان‌طور که در تحلیل‌های کمی نیز بحث شد، برخی از انواع قطع کلامها مانند قطع کلام تدافعی به ماهیت این جلسات بازمی‌گردد که در آن نقش ارزیابی بسیار مهم است. سن افراد نیز در مواردی تعیین‌کننده نقش و میزان قطع کلامها است (نمونه ۵). عامل بعدی، منزلت و نوع عضویت (هسته‌ای و وابسته) افراد است که رابطه مستقیم با هویت و قدرت فردی و سازمانی اعضا دارد و در میزان و نقش قطع کلامها نیز مؤثر است.

علاوه بر عوامل ذکرشده، دغدغه و هدف مشترک که از جنبه‌های اساسی جامعه کنشی است، نقش مهمی در برقراری ارتباط و شکل‌گیری جنسیت، هویت و وجهه افراد در تعامل دارد. زنان و مردان با استفاده از امکانات فرهنگی و زبانی مشترک به پیشبرد کنش مورد

نظر (دفاع از پایان‌نامه) کمک می‌کنند.

این تحقیق در نوع خود جدید به نظر می‌رسد چون در بیشتر تحقیقات گذشته رابطه قطع کلام و جنسیت با رویکردهای تسلط و تفاوت انجام گرفته است و غالب پژوهشگران تنها به تحلیل کمی اکتفا کرده‌اند و تحلیل‌های کیفی با رویکرد جامعه‌کنشی برای این رابطه ارائه نداده‌اند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. community of practice
2. core members
3. peripheral members
4. butting in
5. dominance
6. difference
7. turn construction unit (TCU)
8. transition-relevance place (TRP)
9. turn allocation component
10. face
11. connection
12. separation

۱۳. علائم استفاده‌شده در تحلیل نمونه‌ها به شرح زیر است: ... قسمتی از آوانگاری حذف شده است؛ [آغاز قطع کلام؛] پایان قطع کلام؛ (.) شکاف خیلی کوچک بین یا درون گفته‌ها. . پایان جمله؛ مرز بین عبارات یا کلمات تکراری؛ : طولانی‌شدن صدای قبلی؛ ؟ زیروبمی خیزان؛ ↑ خیزش ناگهانی زیروبمی؛ ×× صدای همراه با خنده؛ ° کلامی که آهسته‌تر بیان می‌شود؛ () کنش‌های غیر کلامی مانند خنده؛ (()) توضیحات آوانگار؛ **بولد**: کلماتی با صدای بلندتر.

14. deformatization
15. Reisman
16. contrapuntal conversation
17. hedge
18. code gloss
19. evaluative
20. inclusive we
21. dispreferred
22. exclusive we

۸. منابع

- یول، جرج (۱۳۸۳). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
- رهبر، بهزاد و دیگران (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان». *جستارهای زبانی (پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی سابق)*. ش ۳. (۴). صص. ۱۳۵-۱۴۷.

Reference:

- Arundale, R. B. (2006). "Face as relational and interactional: a communication framework for research on face, facework, and politeness". *Journal of Politeness Research*. No. 2. pp. 193-216.
- Baxter, L. A. & B. M. Montgomery (1996). *Relating: Dialogues and Dialectics*. New York: Guilford.
- Beattie, G. (1981): "Interruption in conversational interaction and its relation to the sex and status of the interactants". *Linguistics*. No. 19. pp. 15-35.
- ----- (1982). "Turn-taking and interruption in political interviews: Margaret Thatcher and Jim Callaghan compared and contrasted". *Semiotica*. No. 39. (1-2). pp. 93 -114.
- Coates, J. (2003). *Men Talk: Stories in the Making of Masculinities*. Malden: Blackwell Publishing.
- Eakins, B & G. Eakins (1979). "Verbal turn-takings and exchanges in faculty dialogue". In B. Dubois & I. Crouch, (Eds.). *The Sociology of the Languages of the American Women*. San Antonio, TX: Trinity University Press.
- Goodwin, M. H. (1990). *He-said-she-said*. Indianapolis: Indiana University Press.
- Grimshaw, A. D. (1987). "Finishing other's talk: Some structural and pragmatic features of completion offers". In R. Steele & T. Threadgold (eds.) *Language Topics, Essays in Honour of Michael Halliday*. pp. 213-35.

- ----- (1989). *Collegial Discourse: Professional Conversation among Peers*. Norwood: Ablex.
- Heritage, J. (2004). "Conversation analysis and institutional talk: Analyzing data". In D. Silverman (Ed.). *Qualitative Analysis: Issues of Theory and Method*. pp. 45 -222.
- Holmes, J. & M. Meyerhoff (1999). "The communities of practice: Theories and methodologies in language and gender research". *Language in Society*. No. 28 (2). pp. 83 -173.
- Holmes, J. (2006). *Gendered Talk at Work*. Malden: Blackwell publishing.
- Hyland, K. & P. Tse (2004). "Metadiscourse in academic writing: a reappraisal". *Applied Linguistics*. No. 25. (2). pp. 77-156.
- Kennedy, C. W. & C. Camden (1983). "A new look at interruptions". *Western Journal of Speech Communication*. No. 47. pp. 45-58.
- Kotthoff, H. (2006). "Gender and humor: The state of the art". *Journal of Pragmatics*. No. 38. pp. 4-25.
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Martin, J. R. & P. R. R. White (2005). *The Language of Evaluation, Appraisal in English*. Houndmills: Palgrave Macmillan.
- Murray, S. (1987). "Power and solidarity in interruption: A critique of the Santa Barbara school conception and its application by Orcutt and Harvay". *Symbolic Interaction*. No. (1). pp. 10- 101.
- Natale, M.; E. Entin & J. Jaffee (1979). "Vocal interruptions in dyadic communication as a function of speech and social anxiety". *Journal of Personality and Social Psychology*. No. 37. pp. 78- 865.
- Partington, A. (2006). *The Linguistics of Laughter: A Corpus-assisted Study of Laughter-Talk*. London: Routledge.
- Rahbar, B. et. al., (2012). "The relationship between gender and speech interruption: A sociolinguistic study". *Journal of Language Related Research (Former Comparative*



Language and Literature Research). No. 3 (4). pp. 135-147 [In Persian].

- Rees-Miller, J. (2000). "Power, severity, and context in disagreement". *Journal of Pragmatics*. No. 32. pp. 111- 1087.
- Reisman, K. (1974). "Contrapuntal conversations in an Antiguan village". In R. Bauman & J. Sherzer (eds.). *Explorations in the Ethnography of Speaking*. pp. 24- 110.
- Sacks, H.; E. A. Schegloff & G. Jefferson (1974). "A simplest systematics for the organization of turn-taking system for communication". *Language*. No. 50. pp. 696-735.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse Markers*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
- Steensig, J. & T. Larsen (2008). "Affiliative and disaffiliative uses of you say x questions". *Discourse Studies*. No. 10 (1). pp. 32 - 113.
- Stubbe, M. (1998). "Are you listening? Cultural influences on the use of supportive verbal feedback in conversation". *Journal of Pragmatics*. No. 29. pp. 89- 257.
- Sugawara, K. (2012). "Interactive significance of simultaneous discourse or overlap in everyday conversations among IGui former foragers". *Journal of Pragmatics*. No. 44. pp. 577- 618.
- Swales, J. (2004). *Research Genres: Explorations and Applications*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tannen, D. (1990). *You Just Don't Understand*. New York: Ballantine Books.
- Tenhave, P. (2007). *Doing Conversational Analysis*. Los Angeles: Sage.
- West, C. (1984). "When the doctor is a 'lady': Power, status, and gender in physician-patient encounters". *Symbolic Interaction* No. 7. pp. 87- 105.
- Yule, G. (2004). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- Zimmerman, D. H. & C. West (1975). "Sex roles, interruptions and silences in conversation". In B. Thorne & N. Henley (Eds.). *Language and Sex: Difference and Dominance*. pp. 105 – 129.